چرا ملت ایران «تسلیم‌شدنی نیست»؟

این را همه بدانند رازِ ستیزِ آمریکا نه بهانه، که «توقع تسلیم» است

«این را همه بدانند»؛ این عبارتی است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در طول سال‌های متعدّد، برای توجّه دادن مردم و مسئولان به مطلبی بسیار مهم و حیاتی به کار برده‌اند. یکی از مقاطع حسّاسی که ایشان این عبارت را بارها به کار بردند، ایّام جنگ تحمیلی دوازده روزه رژیم صهیونیستی و پس از آن است. سؤال این است که ایشان در این دوران، مردم و مسئولان را به چه مسئله مهمّی توجّه داده‌اند؟

راز دشمنی آمریکا با ملّت ایران

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، یک روز پس از توقّف آتش در جنگ دوازده روزه، در سوّمین پیام تلویزیونی خود تأکید کردند که ملّت ایران و مسئولان، علّت دشمنی آمریکا و غرب را بدانند. ایشان در یک بیان بسیار مهم می‌فرمایند:

«رئیس‌جمهور آمریکا در یکی از بیاناتش و اظهاراتش گفت ایران باید تسلیم بشود... این اظهار او یک حقیقتی را لو داد؛ آمریکایی‌ها از اوّلِ انقلاب با ایران اسلامی مشغول معارضه هستند، پنجه می‌افکنند، هر دفعه‌ای هم یک بهانه‌ای دارند: یک بار حقوق بشر است، یک‌بار دفاع از دموکراسی است، یک بار حقوق زن است، یک بار غنی‌سازی است، یک بار اصل مسئله هسته‌ای است، یک بار مسئله ساخت موشک است؛ بهانه‌های گوناگونی می‌آورند، امّا باطن قضیّه یک چیز بیشتر نیست و آن «تسلیم ایران» است... این یک نقطه مهمّی است! ملّت ایران بدانند [علّت] معارضه با آمریکا این است.» (۱۴۰۴/۴/۵)

ایشان در روزهای بعد نیز با همان تعبیرِ «همه بدانند» به این نکته تصریح می‌کنند که نشان از دغدغه ایشان نسبت به تحریف حقیقت مبارزه ملّت ایران است. ایشان می‌فرمایند: «این را همه بدانند... ما از جنگ استقبال نکردیم.» (۱۴۰۴/۴/۲۵)

ماهیّت یکسان جنگ تحمیلی هشت‌ساله و دوازده روزه

ماهیّت جنگ تحمیلی دوازده روزه همان ماهیّت جنگ تحمیلی هشت‌ساله است، زیرا هدف دشمنی از همان ابتدا یکی بوده است. «بعضی خیال می‌کنند دشمنی‌هایی که با ما می‌شود به خاطر این است که ما ستیزه‌گری کرده‌ایم، ما دائماً انگشت در چشم اینها کرده‌ایم.» (۱۳۹۵/۳/۲۵)

امّا نگاهی به تاریخ دشمنی‌های آمریکا و تجربه‌های ملّت ایران نشان می‌دهد آنگاه که ایران هیچ نزاعی با آمریکا نداشت نیز او در حال دشمنی و توطئه علیه ایران بود.

یکی از این تجربه‌های تلخ تاریخی که عمق دشمنی آمریکا را با ملّت ایران آشکار می‌کند، این بود که «در اوّلین ماه‌های پیروزی انقلاب، مجلس سنای آمریکا یک مصوّبه و قطعنامه همپیمانانشان و همراهانشان انجام می‌گیرد، برای به زانو درآوردن ملّت ایران است، برای تحقیر ملّت ایران است.» (۱۳۹۳/۱۱/۱۹)

هرچند دشمنان و منافقان خارجی و داخلی تلاش می‌کنند تا علّت دشمنی آمریکا با ملّت ایران را تحریف کنند، امّا این حقیقت هیچ‌گاه تحریف‌شدنی نیست.

علّت جنگ‌های تحمیلی علیه پیامبران

با نگاهی به تاریخ به‌روشنی درمی‌یابیم که علّت دشمنی‌ها و تحمیل جنگ‌ها بر پیامبران ـ به‌ویژه پیامبر اسلام ـ نیز همین بوده است. در دوران حکومت نبوی، «همه کسانی که جبهه متّحدی را علیه پیغمبر تشکیل دادند، با پیام توحید او، با پیام عدل او و با آموزش‌های مکتب او دشمنی می‌کردند.» (۱۳۸۷/۱/۱)

دلیل دشمنی با جمهوری اسلامی نیز همان دلیل دشمنی با پیامبران توحید است. «بعضی‌ها می‌گویند «آقا، دشمن‌تراشی نکنید»؛ نه، ما دشمن‌تراشی نمی‌کنیم؛ ما همین حرف پیغمبر شدیداللّحنی علیه جمهوری اسلامی ایران صادر کرد، دشمنی را به طور عملی شروع کرد؛ این در حالی بود که هنوز سفارت آمریکا در ایران باز بود!» (۱۳۹۴/۸/۱۲)

نمونه بارز دیگر، نهضت ملّی دکتر مصدّق بود که علی‌رغم اینکه یک حرکت دینی و انقلابی نبود و فقط به دنبال استقلال کشور بود، با کودتای آمریکایی‌ها سرنگون شد.

یکی از این تجربه‌ها جنگ تحمیلی هشت‌ساله است. «همه قراین از اوّل کار نشان می‌داد که استکبار پشت سر عراق است.» (۱۳۷۰/۷/۵) «آمریکا و مزدورانش بعد از آنکه در طول نوزده ماه [از ابتدای پیروزی انقلاب] هر چه کردند نتوانستند جمهوری اسلامی را به زانو دربیاورند ـ حتّی حمله نظامی هم کردند ـ با خود فکر کردند ما ایران را به جنگی تحمیلی و ناخواسته می‌کشانیم، عراق را تحریک می‌کنیم که با ایران جنگ را شروع کند... [لذا] به سراغ صدّام‌حسینِ احمقِ جاه‌طلبِ مغرورِ بدبخت رفتند.» (۱۳۵۹/۷/۴)

علّت وقوع جنگ تحمیلی توسّط آمریکا در آن دوران نیز همین بود. آن‌ها «جنگ را به وجود آوردند تا نظام اسلامی را از بین ببرند یا وادار به تسلیم کنند.... اگر ایران در مقابل آمریکا تسلیم میشد، جنگ زود تمام میشد. البتّه مصیبت سلطه آمریکا صد برابر از مصیبت جنگ سخت‌تر است.» (۱۳۷۰/۷/۵)

خلاصه اینکه «علّت مخالفت با نظام جمهوری اسلامی این است که جمهوری اسلامی آمد دستِ سلطه آمریکایی را از کشور کوتاه کرد؛ همه مسئله این است.» (۱۳۹۷/۲/۱۹) دشمنی‌شان با ملّت ایران نیز «به خاطر طرفداری از اسلام و ایستادگی در پای نظام اسلامی و دفاع جانانه از آن است.» (۱۳۸۱/۱۰/۱۹) و «هر حرکتی از سوی آمریکایی‌ها و حرف خدا و حرف توحید را بر زبان می‌آوریم و خود همین گفتن، یک عدّه دشمن به وجود می‌آورد. دشمن، به خاطر ایجاد حرکت توحیدی دشمن می‌شود. رفع دشمنیِ او هم به این است که شما دست از حرکت بردارید و برگردید به همان چیزی که آنها میخواهند، یعنی عبودیّت طاغوت، پیروی طاغوت و مانند اینها؛ آمریکا این توقّع را از ما دارد.» (۱۳۹۸/۱/۱۴)

وقتی می‌گوییم «انقلاب ادامه بعثت پیغمبر بود» (۱۳۹۸/۱/۱۴) یعنی قیام مردم «هم جنبه دینی داشت، هم جنبه ضدّآمریکایی داشت.» (۱۳۹۹/۱۰/۱۹) زیرا «آمریکا در کشور ما فرعونیّت می‌کرد... موسای زمان آمد، تخت‌وبخت این فرعون و دنباله‌روهای او را واژگون کرد و از بین برد... و به وسیله این مردم، آمریکا را از این مملکت بیرون کرد.» (۱۳۹۴/۶/۱۸)

راه پیشگیری از وقوع جنگ

حال، سؤال مهم این است که چگونه از وقوع جنگ پیشگیری کنیم؟ افراد ضعیف و ترسو برای فرار از جنگ تحمیلی راهکار سازش را پیشنهاد می‌کنند. این گروه، علاوه‌بر وعده‌های الهی، تجربه‌های متعدّد تاریخی را نادیده می‌گیرند.

حقیقت آن است که «جنگ تحمیلی به خاطر این اتّفاق افتاد که دشمن در ما احساس ضعف کرد. اگر دشمن بعثی و محرّکینش خاطرجمع نبودند که سرِ چند روز به تهران خواهند رسید ـ آنها این‌جوری فکر می‌کردند ـ این جنگ انجام نمیگرفت.... احساس ضعف شما موجب تشویق دشمن به حمله به شما است؛ این یک قاعده کلّی است.» (۱۳۹۵/۱۲/۱۶)

بنابراین، تنها راه پیشگیری از جنگ تحمیلی دشمنان علیه ملّت ایران «مقاومت و استقامت» است. «همه باید بدانند... ملّت ایران در هیچ میدانی به صورت طرف ضعیف ظاهر نخواهد شد.» (۱۴۰۴/۴/۲۵) لذا «دفاع مقدّس یک اصل را برای ملّت ایران ثابت کرد و آن اصل، این است که صیانت کشور و بازدارندگی کشور از دست‌اندازی دشمن با مقاومت به دست می‌آید نه با تسلیم.... این احساس که باید مقاومت کرد، موجب شد که هم اطمینان و اعتماد به نفْس داخلی به وجود بیاید... و هم به دشمن یاد داد که در محاسبات خودش قدرت داخلی ایران را به حساب بیاورد، مقاومت ایران را به حساب بیاورد.» (۱۴۰۱/۶/۳۰) این مقاومت و استقامت تنها در سایه اتّحاد و انسجام شکل خواهد گرفت. جامعه اسلامی تنها زمانی می‌تواند مقاومت کند و به پیروزی برسد که اتّحاد و انسجام خود را به طور کامل حفظ کند؛ لذا دشمن به‌شدّت تبلیغات می‌کند تا «رشته تواصی به حق و صبر را در بین مؤمنان قطع کند؛... این موجب می‌شود که انسان‌ها احساس تنهائی کنند، احساس نومیدی کنند و اراده‌ها ضعیف بشود، امیدها کم‌رنگ بشود.» (۱۳۹۹/۱۲/۲۱) لذا همان‌طور که در دوران دفاع مقدّس «جنگ را مردم اداره کردند، مردم پای کار بودند»، (۱۳۹۰/۷/۲۰) «ملّت مؤمن و انقلابی ایران با اتّحاد و استقامت خود توانست جنگ متجاوزانه رژیم صدّام را که از سوی همین آمریکا و انگلیس، به علاوه شوروی و بلوک شرق سابق پشتیبانی تسلیحاتی و اطّلاعاتی و سیاسی میشد، ناکام سازد و دشمن را به پشت مرزهای خود براند»، (۱۳۸۲/۱/۳۱) در دوران جنگ دوازده روزه نیز نقش اصلی را مردم ایفا کردند. در این جنگ، «ملّت ایران نشان داد که هم متین است، هم شجاع است، هم وقت‌شناس است.» (۱۴۰۴/۳/۲۸)

امّا همه بدانند «انقلاب یک امر مستمر است... یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است... و هیچ وقت تمام نمی‌شود.» (۱۳۹۴/۶/۲۵) و مبارزه «ضدّآمریکایی» ملّت ایران نیز تا غلبه کامل بر طاغوت ادامه دارد و «ملّت ایران تسلیم‌شدنی نیست.» (۱۴۰۴/۳/۲۸) و «همه و همه بدانند... ملّت ایران حتماً پیروز خواهد شد.» (۱۴۰۴/۴/۲۵)

منبع: خط حزب‌الله

نقش ایران در تضمین امنیت انرژی جهان و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن

امنیت انرژی در دنیای امروز یکی از عناصر کلیدی در روابط بین‌الملل و موازنه قدرت است. نفت و گاز دیگر فقط منابع اقتصادی برای توسعه و رفاه نیستند، بلکه به ابزاری راهبردی برای بقا، بازدارندگی و افزایش قدرت ملی تبدیل شده‌اند. در چارچوب نظریه واقع‌گرایی تهاجمی که نظام بین‌الملل را عرصه‌ای آنارشیک و رقابتی می‌بیند، کشورها ناگزیرند برای بقا و ارتقای جایگاه خود به دنبال حداکثرسازی قدرت باشند. ایران نمونه بارزی از کشوری است که انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی خود را به ابزار اصلی در راهبرد بقا و مقاومت فعال تبدیل کرده است.

ایران دارنده دومین ذخایر اثبات شده گاز طبیعی و سومین ذخایر نفت در جهان است. این حجم از منابع طبیعی به تنهائی جایگاه ایران را در ژئوپلیتیک انرژی جهان برجسته می‌کند. اما ارزش واقعی این منابع زمانی آشکار می‌شود که با موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد ایران ترکیب شود. ایران در نقطه اتصال خلیج فارس، دریای عمان، آسیای مرکزی و قفقاز قرار گرفته و بر گذرگاه حیاتی انرژی جهان یعنی تنگه هرمز تسلط دارد. بیش از یک‌سوم تجارت دریایی نفت از این گذرگاه عبور می‌کند و هرگونه تهدید علیه امنیت آن، اقتصاد جهانی را دچار اختلال می‌کند. این ظرفیت ژئوپلیتیکی، ایران را به بازیگری غیرقابل جایگزین در امنیت انرژی تبدیل کرده است. امنیت انرژی در سطح جهانی بدون در نظر گرفتن ایران ممکن نیست. هرگونه تهدید علیه ایران یا تشدید تنش در خلیج فارس به سرعت در قیمت نفت و گاز جهانی منعکس می‌شود. این واقعیت نشان می‌دهد که ایران در سطح جهانی ولو به صورت غیرمستقیم همچنان نقشی کلیدی در امنیت انرژی ایفا می‌کند.

البته باید میان ظرفیت بالقوه و قدرت بالفعل ایران تمایز قائل شد. ایران به شکل بالقوه می‌تواند یکی از مهم‌ترین صادرکنندگان انرژی به اروپا و آسیا باشد و مسیر ترانزیتی جایگزینی برای کشورهای آسیای مرکزی فراهم کند. اما به صورت بالفعل تحریم‌های گسترده آمریکا و غرب توانسته‌اند بخشی از صادرات رسمی ایران را محدود کنند، هرچند این به معنای حذف کامل ایران نیست. ایران همچنان بخش مهمی از نیاز انرژی چین و برخی دیگر از کشورها را تأمین می‌کند و با ایجاد مسیرهای غیررسمی صادرات، فشار تحریم‌ها را تا حد زیادی بی‌اثر کرده است.

صادرات گاز ایران به عراق و ترکیه نشان می‌دهد که برخی همسایگان منطقه‌ای به طور واقعی به منابع ایران وابسته هستند. این وابستگی ابزاری برای ایران در مدیریت روابط منطقه‌ای است و به آن قدرت چانه‌زنی سیاسی می‌بخشد. تسلط بر تنگه هرمز باعث شده حتی در شرایطی که صادرات رسمی نفت کاهش یافته، ایران توانایی ایجاد اختلال بالقوه در جریان انرژی منطقه را داشته باشد، این قابلیت ایران را به بازیگری غیرقابل چشم‌پوشی تبدیل می‌کند. این همان منطق واقع‌گرایی تهاجمی است که می‌گوید افزایش هزینه‌های اقدام دشمن می‌تواند بازدارندگی ایجاد کند.

در آسیای مرکزی، ایران از ظرفیت بالقوه بالایی برای تبدیل شدن به مسیر ترانزیت انرژی این منطقه به خلیج‌فارس برخوردار است. موقعیت جغرافیایی ایران کوتاه‌ترین و اقتصادی‌ترین راه برای رساندن منابع انرژی آسیای مرکزی و قفقاز به بازارهای جهانی است. اما به دلیل تحریم‌های غرب بخش عمده‌ای از این ظرفیت هنوز بالفعل نشده است. بنابراین نقش ایران در آسیای مرکزی بیشتر در حد یک امکان راهبردی است تا واقعیتی عینی. اما همین امکان بالقوه نوعی قدرت ژئوپلیتیکی برای ایران ایجاد می‌کند، زیرا هر زمان شرایط بین‌المللی تغییر کند ایران می‌تواند به بازیگری محوری در اتصال انرژی آسیای مرکزی به بازارهای جهانی تبدیل شود.

از منظر واقع‌گرایی تهاجمی، ایران با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها به دنبال حداکثرسازی قدرت خویش است. نزدیکی به چین و روسیه در حوزه انرژی نمونه‌ای روشن از این رویکرد است. قراردادهای بلندمدت انرژی با چین و همکاری‌های استراتژیک با روسیه نشان می‌دهد که ایران توانسته است از انرژی به عنوان ابزاری برای موازنه در برابر فشارهای آمریکا و اروپا استفاده کند. این همان منطق رفتاری است که مرشایمر در تبیین واقع‌گرایی تهاجمی مطرح می‌کند: دولت‌ها برای بقا ناگزیرند سهم خود را از قدرت افزایش دهند، حتی اگر این امر به تشدید رقابت با دیگران بینجامد.

رویکرد انقلابی جمهوری اسلامی به انرژی این رفتار واقع‌گرایانه را غنا بخشیده است. انرژی برای ایران تنها منبعی اقتصادی نیست بلکه نمادی از استقلال سیاسی و ابزاری برای مقاومت در برابر سلطه‌طلبی قدرت‌های بزرگ است. جمهوری اسلامی نشان داده است که می‌تواند از انرژی نه تنها برای تأمین نیازهای داخلی و درآمدزایی بلکه به عنوان سلاحی سیاسی و ژئوپلیتیکی استفاده کند. این همان جایی است که نظریه واقع‌گرایی تهاجمی با گفتمان انقلابی پیوند می‌خورد و هر دو بر ضرورت افزایش قدرت و بازدارندگی در برابر دشمن تأکید دارند.

ایران با ذخایر عظیم و موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز، همچنان کلیدار بخش مهمی از امنیت انرژی خواهد بود. توسعه خطوط لوله و کریدورهای انرژی که ایران می‌تواند میزبان آنها باشد قدرت ژئوپلیتیکی کشور را افزایش خواهد داد. از منظر واقع‌گرایی تهاجمی چنین تحولاتی امکان افزایش سهم قدرت ایران در نظام بین‌الملل را فراهم می‌سازد و از منظر انقلابی آن را به ابزاری برای استقلال و مقاومت در برابر سلطه تبدیل می‌کند.

ایران در حوزه امنیت انرژی واجد جایگاهی دوگانه است، از یکسو ظرفیت‌های بالفعل آن در خلیج فارس و در روابط دوجانبه با برخی همسایگان و قدرت‌های شرقی آن را به بازیگری تعیین‌کننده بدل کرده؛ و از سوی دیگر ظرفیت‌های بالقوه در آسیای مرکزی و بازارهای جهانی، فرصت‌های بیشتری را برای افزایش قدرت در آینده فراهم می‌کند. این جایگاه هرچند در شرایط تحریم با محدودیت‌هایی مواجه است اما همچنان ایران را به عاملی غیرقابل چشم‌پوشی در معادلات امنیت انرژی جهانی تبدیل کرده است. بدون ایران نه منطقه خلیج فارس و نه اقتصاد جهانی نمی‌توانند از امنیت پایدار انرژی برخوردار باشند. این حقیقتی است که حتی دشمنان ایران ناگزیر به پذیرش آن هستند.

ایران با ترکیب منابع عظیم انرژی، موقعیت ژئوپلیتیکی و رویکرد انقلابی توانسته است الگویی از مقاومت فعال و واقع‌گرایی تهاجمی ارائه کند. این الگو نشان می‌دهد که چگونه یک کشور می‌تواند منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی خود را از سطح ابزار اقتصادی به سطح ابزار ژئوپلیتیکی ارتقا دهد و از آن برای بازدارندگی، نفوذ و استقلال بهره گیرد. آینده ژئوپلیتیک انرژی به خوبی نشان خواهد داد که نقش ایران نه تنها کاهش نمی‌یابد بلکه به تدریج پررنگ‌تر خواهد شد.

علیرضا معشوری - دکتری روابط بین‌الملل

آیا حمایت از دولت مصلحتی است؟

موفقیت دولت؛ موفقیت کشور
حمایت از دولت، خنثی‌سازی راهبرد دوقطبی‌سازی دشمن

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، عصر شانزدهم شهریور ۱۴۰۴ در دیدار هیئت دولت، با تشکّر از رئیس‌جمهور، مسئولان، مدیران و کارکنان فعّال مجموعه دولت - به‌ویژه دستگاه‌هایی که در آزمون دوازده روزه جنگ، به معنای حقیقی کلمه فداکاری کردند - «انگیزه»، «روحیه» و «پُرکاری» دکتر پزشکیان را مورد تقدیر قرار دادند و افزودند: «تشکّر ویژه می‌کنم از رئیس‌جمهور محترم به خاطر کار متراکم و مفیدی که ایشان انجام می‌دهند. این‌جور کار کردن و با این انگیزه‌ها کار کردن و با این روحیه کار کردن، همان چیزی است که کشور به آن نیاز دارد. از جمله این سفر اخیرشان به چین سفر بسیار خوبی بود و بالقوّه زمینه‌ای است - نمی‌گویم بالفعل است - برای حوادث بزرگ مورد نیاز کشورمان، چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ سیاسی؛ خوشبختانه یک زمینه این‌چنینی را ایشان با این سفر به وجود آوردند که دستاوردهایی داشته و بایستی پیگیری بشود ان‌شاءالله.»

ایشان همچنین در مراسم عزاداری شهادت امام رضا علیه‌السّلام، بار دیگر بر مسئله «اتّحاد» تأکید کردند و همگان را به حمایت از رئیس‌جمهور و دولت توصیه فرمودند: «امروز بحمدالله اتّحاد وجود دارد. این اتّحاد را مردم حفظ کنند. مسئولان کشور، بخصوص مسئولان سه قوّه که بحمدالله امروز آنها هم در کمال اتّحاد و همدلی دارند با هم کار می‌کنند، این را حفظ کنند. خدمتگزاران کشور را مردم حمایت کنند؛ رئیس‌جمهور را حمایت کنند. رئیس‌جمهور، پُرکار و پُرتلاش و پیگیر است؛ عناصرِ این‌جور که پُرکار باشند، پُرتلاش باشند، پیگیر باشند، اینها را باید قدرشناسی کرد. اتّحاد بینِ ملّت و دولت، بین آحاد مسئولین گوناگون نظام، بین نیروهای مسلّح و مردم، بین آحاد مردم، چیزی است که بایستی با همه وجود حفظ بشود؛ این توصیه قطعی من است.» ۱۴۰۴/۶/۲

سؤال مهم این است که چرا باید از دولت حمایت کرد و دلیل تأکید رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بر قدرشناسی و حمایت از خدمتگزاران و مسئولان کشور چیست.

مشی همیشگی

نهادهای سیاسی مستقر و فعّال در جمهوری اسلامی ایران حاصل حضور و مشارکت مردم در عرصه‌ی سیاسی است که نشان‌دهنده تبلور مردم‌سالاری دینی است. دولت‌های برآمده از دل صندوق‌های انتخاباتی که نتیجه حضور سلایق مختلف سیاسی در فرآیند سنجیده انتخابات در کشور است، همواره مورد حمایت رهبر انقلاب اسلامی بوده‌اند. رهبر انقلاب دراین‌باره این‌گونه بیان داشته‌اند: «دأب بنده هم این است که همیشه از همه دولت‌ها که بر سر کار هستند حمایت می‌کنم؛ امروز هم همین‌جور است، بعد از این هم ان‌شاءالله تا زنده هستیم همین‌جور خواهد بود.» ۱۳۹۶/۳/۲۲

البتّه این حمایت‌های کلان سیاسی رهبر انقلاب از دولت‌های مستقر، همواره ضمن داشتن شروطی، با نصایح صریح و مشفقانه همراه بوده و حراست از مسیر ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و هدایت کارگزاران در خطّ انقلاب اسلامی از ویژگی‌هایی است که در مشی رهبری سیاسی امام خمینی رحمةالله‌علیه و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌روشنی دیده می‌شود. نکته دیگر آنکه طبیعتاً دولت‌ها هر چقدر بیشتر در خطّ انقلاب و اهداف و آرمان‌های آن عمل کرده و کنند، از حمایت و تأیید بیشتری از سوی رهبر انقلاب برخوردار بوده و خواهند شد.

روشن است که پیوند و همکاری قوای سه‌گانه با یکدیگر و اتّحاد مردم و نیروهای مسلّح با قوّه‌ی مجریه که متصدّی وزارتخانه‌های مختلف و تمشیت امور کلان اجرائی کشور در بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است، قوام‌بخش نظام سیاسی جمهوری اسلامی و خنثی‌کننده راهبردهای خصمانه دشمن همچون القای حاکمیّت دوگانه در دل نظام جمهوری اسلامی است.

موفّقیّت دولت؛ موفّقیّت همه

رهبر معظّم انقلاب اسلامی سال گذشته و درحالی‌که دولت چهاردهم هنوز به صورت رسمی شکل نگرفته بود، پیش از مراسم تنفیذ و در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس دوازدهم، نکته بسیار مهمّی را بیان کردند: «من توصیه مؤکّدی که این‌جا یادداشت کرده‌ام، تعامل سازنده با دولت جدید است. همه کمک کنند که رئیس‌جمهور منتخب بتواند وظایفی را که در قبال کشور دارد، انجام بدهد. اگر ما توانستیم جوری رفتار کنیم که رئیس‌جمهور موفّق بشود، این موفّقیّت همه ما است؛ اگر او در اداره کشور، در پیشبرد اقتصاد کشور، در مسائل بین‌المللی کشور، در مسائل فرهنگی کشور به موفّقیّت دست پیدا کند، همه ما به موفّقیّت دست [پیدا] کرده‌ایم؛ پیروزی او پیروزی همه ما است؛ این را باید واقعاً از بن دندان باور کنیم.» ۱۴۰۳/۴/۳۱

اگرچه این نکته و توصیه مهم و کلیدی در دیدار نمایندگان مجلس بیان شد، امّا همان‌طور که در بیان رهبر انقلاب نیز به شکل واضح و روشنی بیان شده، فقط جمع نمایندگان مجلس مخاطب این توصیه نیستند، بلکه همگان مخاطب و مکلّف به آن هستند. منطق نیز روشن و واضح است: دولت چیزی جدا از کلّیّت نظام و کشور و سرنوشت آن نیست؛ و مگر حکومتی می‌تواند بدون موفّقیّت دولتش موفّق باشد؟

اینجا است که حتّی گروه‌های رقیب سیاسی نیز باید از منظری کلان‌تر به صحنه و موضوع نگریسته و رفتار و مواضع خود را با این اصل بدیهی تنظیم کنند. این اصل بدیهی، در هر نظام سیاسی و کشوری، به طور طبیعی و منطقی صادق است و قطعاً برای کشوری مانند ایران که نظام آن «جمهوری اسلامی» بوده و قدرت سیاسی ذیل آموزه‌ها و تعالیم دینی تعریف می‌شود، اهمّیّتی دوچندان دارد. قطعاً افراد و جریانات سیاسی و اجتماعی هر قدر خود را بیشتر مطیع ولایت فقیه و پایبند به ارزش‌های اسلامی و انقلابی بدانند، باید بیشتر به این توصیه و مطالبه توجّه داشته و خود را مخاطب آن تلقّی کرده و در راستای عمل به آن بکوشند. مهم‌ترین آفت در این زمینه، ماندن و درجا زدن در فضاهای رقابتی و شبه‌انتخاباتی است؛ کمااینکه رهبر معظّم انقلاب اسلامی، در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای پزشکیان، به این موضوع پرداختند و آن را به عنوان یکی از توصیه‌های خود بیان کردند: «توصیه‌ی بعدی، مربوط به فضای احساسات عمومی ناشی از انتخابات است، که مخاطب این [توصیه] آحاد مردمند، فعّالان سیاسی و اجتماعی‌اند. خب انتخابات طبعاً چالش‌برانگیز است دیگر؛

افرادی در انتخابات، در دو طرف قضیّه قرار می‌گیرند، چالش‌هایی به وجود می‌آید؛ نباید به وسوسه‌های دوقطبی‌سازی اعتنا کرد و ترتیب اثر داد؛ این توصیه‌ی مؤکّد بنده است. نباید احساساتی که افراد را در دوره انتخابات وادار به مجادله با یکدیگر می‌کرد ادامه پیدا کند؛ نگذارید ادامه پیدا کند. خب خاصیّت انتخابات این است دیگر: یکی رأی می‌آورد، یکی رأی نمی‌آورد؛ این نتیجه انتخابات است. انتخابات یعنی همین؛ مثلاً یک نفر مورد علاقه شما است رأی می‌آورد، یک نفر مورد علاقه دیگری است رأی نمی‌آورد؛ این طبیعی است؛ این نباید موجب نقار بشود؛ این نباید موجب اختلاف و شکاف و جدایی بشود. در جمهوری اسلامی سلایق گوناگون، گرایش‌های گوناگون از اوّل انقلاب تا حالا آمدند بالا، رفتند پایین؛ بعضی‌ها امروز رأی آوردند، فردا دیگری رأی آورد؛ عکسش هم همین‌جور؛ این همین «وَ تِلکَ الاَیّامُ نُداوِلُها بَینَ النّاس» است دیگر؛ این امتحان است. بنده عرض می‌کنم در همه این انتخاباتی‌هایی که اتّفاق افتاده، ملّت ایران پیروز شده؛ ما شکست‌خورده نداریم. آن کسانی که وارد میدان شدند، از یک نامزدی حمایت کردند و آن نامزد رأی نیاورد، اینها شکست نخوردند، اینها هم پیروزند؛ اینها جزو ملّت ایرانند دیگر، ملّت ایران پیروز است. بنابراین آن حالت نقار یا دلخوری و دلتنگی‌ای که گاهی ممکن است در اثنای مجادلات و مباحثات انتخاباتی اتّفاق افتاده باشد، نباید ادامه پیدا کند. نه آن کسی که نامزدش رأی آورده است باید احساس اعتلا کند، نه آن کسی که نامزدش رأی نیاورده است باید احساس شکست کند؛ هیچ‌کدام، نه این [احساس] اعتلا می‌کند، نه آن احساس شکست می‌کند. این هم توصیه بعدی ما است که مخاطبش همه فعّالان سیاسی و اجتماعی و انتخاباتی و مانند اینها است.» ۱۴۰۳/۵/۷

اتّحاد مقدّس

نکته مهمّ دیگری که در این قضیّه وجود دارد، آن است که کشور در شرایطی بسیار حسّاس و تاریخی به سر می‌برد؛ شرایطی که می‌توان از آن به عنوان «جنگ احزاب» یاد کرد. دشمنان این کشور و مردم و انقلاب، دست به دستِ هم داده و عزم خود را جزم کرده‌اند تا بار دیگر بخت خود را برای تحقّق رؤیاهای شوم و همیشه‌شکست‌خورده بیازمایند.

در این شرایط، اوّلین تکلیفی که رهبر معظّم انقلاب در تکالیف راهبردی هفت‌گانه بیان و مطالبه کردند: «حفظ اتّحاد و انسجام کشور» بود و بدون شک، حمایت از دولت یکی از مصادیق و راهکارهای عمل به این تکلیف است. البتّه که دولت و دولتمردان نیز باید به تکلیف خود در پیشبرد صحیح و درست امور کشور عمل کنند؛ کمااینکه یکی از تکالیف هفت‌گانه به این موضوع اختصاص داشت: «جدّیّت و پیگیری و به نتیجه رساندن کارهای کشور وظیفه همه دستگاه‌های مسئول اجرائی است.» ۱۴۰۴/۵/۳

علیه راهبرد دشمن

نکته پایانی و مهم آنکه حمایت از دولت به معنای نادیده گرفتن ضعف‌ها و نقص‌های آن نیست. هیچ دولتی بدون ضعف و نقص نبوده و نیست و نخواهد بود؛ لذا بیان دلسوزانه و صحیح ضعف‌ها همراه با ارائه راه‌حل‌های منطقی و عملی - به صورتی که با برنامه‌های دشمن، به‌خصوص در عرصه عملیّات روانی و رسانه‌ای، مخرج مشترک پیدا نکند - نیز نوعی کمک و حمایت از دولت است.

> **حمایت از دولت به معنای نادیده گرفتن ضعف‌ها و نقص‌های آن نیست. هیچ دولتی بدون ضعف و نقص نبوده و نیست و نخواهد بود؛ لذا بیان دلسوزانه و صحیح ضعف‌ها همراه با ارائه راه‌حل‌های منطقی و عملی - به صورتی که با برنامه‌های دشمن، به‌خصوص در عرصه عملیّات روانی و رسانه‌ای، مخرج مشترک پیدا نکند - نیز نوعی کمک و حمایت از دولت است.**

حمایت از رهبر معظم انقلاب از دولت اولاً به معنی تأیید کلیه اقدامات در سطوح مختلف اجرائی کشور نیست. ثانیاً به منزله عدم وجود نقد و تذکر از سوی رهبر معظم انقلاب نیز نبوده و نخواهد بود؛ چنانچه معظم‌له بارها در دیدارهای مختلف به این مسئله اشاره کرده و بیان نقدها، تذکرات و برخی مشکلات تا حد ممکن محدود در ارتباطات کاری و جلسات خصوصی دانسته‌اند. از طرف دیگر، حمایت رهبر معظم انقلاب از دولت مستقر یکی از راه‌های مقابله با راهبرد مهمّ دشمن در ایجاد اختلاف و شکاف در کشور است و البتّه این حمایت با داشتن سلایق و افکار مختلف و متنوّع منافاتی ندارد. ایشان اخیراً درباره نسبتِ میانِ ارائه نظرات مختلف با لزوم همصدایی و همکاری در کشور چنین فرمودند: «من از علائم و قرائنی این‌جور احساس می‌کنم که امروز بیشترین تلاش دشمن برای این است که این همصدایی را، این یکصدایی را، این همدلی را، این همکاری را خدشه‌دار بکنند؛ امروز این کار را دشمن دارد با شیوه‌های مختلف می‌کند؛ مردم توجّه داشته باشند. البتّه بعضی ممکن است در مسائل گوناگون نظرات مختلفی داشته باشند؛ هیچ اشکالی ندارد، لکن تخریب نباید کرد؛ تخریب، خواست دشمن است. و این همکاری قوای سه‌گانه، همکاری مجلس و دولت و قوّه قضائیّه و نیروهای مسلّح و دیگران، باید ادامه پیدا کند.» ۱۴۰۴/۶/۲

درس عملی عدالت و انصاف

افزون بر همه مواردی که در پاسخ به سؤال چرایی حمایت رهبر معظّم انقلاب از رئیس‌جمهور و مسئولان کشور ذکر شد، می‌توان نکته‌ای مهم و اساسی را نیز در نظر داشت: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جایگاه مرجعیّت شیعه و با تجربه نزدیک به ۳۶ سال رهبری، ۸ سال رئیس‌جمهوری، نمایندگی مجلس و دیگر مسئولیّت‌های انقلابی و اجرائی و نظامی، بدون تردید، دیدبان اصلی اداره کشور و مُشرف‌ترین